

متن پیاده سازی شده نشست چهاردهم (42 - 70 - 94) سال چهارم درس خارج فقه سیاسی 12 بهمن 1401

صفحات 143 و 144 : کلیک کنید

فایل پیاده سازی : کلیک کنید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ

ایران در تراث دینی

دقت در تراث دینی پیرامون ایران و رفتارهایی که پیامبر و ائمه و به تبع آن قرآن دارد عجیب است. اینگونه نیست که این تراث شنیدنی، تنها از سوی عالمان ایران و شیعه نوشته و گفته شده باشد تا بوی تعصب دهد. بلکه سنی‌های عرب غیرایرانی هم مطرح کرده اند. اگر کسی به ذیل آیات سوره مائده و جمعه و قتال و روایت وارده توجه کند و آن‌ها را جمع آوری کند متوجه نگاه ویژه به ایران می‌گردد. روایت ذیل مائده از نظر رجالی بحث و گفتگو دارد اما در ذیل آیه جمعه اینگونه نیست، زیرا از دسته روایاتی است که «متفق علیه علی شرط شیخین» است یعنی مطابق سخت ترین مبنا از روایت صحیح است. و جمله معروف رسول خدا که به شانه سلمان زدند و فرمودند «هَذَا وَذُوهُ لَوْ كَانَ الدِّينُ مُعَلَّقًا بِالْثُرَيَّا لَنَالَهُ رِجَالٌ مِنْ أَبْنَاءِ فَارِسٍ». در طول تاریخ هم ائمه عنایت ویژه‌ای به ایرانیان داشته اند. به طور مثال دو برادر از قم برای دیدار امام صادق علیه السلام عازم مدینه بودند، امام به خانه و خانواده سفارش می‌کردند که من بیرون می‌روم و دو برادر می‌آیند که از ما اهل بیت هستند. البته نمی‌توان گفت «رجال من ابناء فارس» اکنون ما هستیم، اما در مجموع عنایت ویژه‌ای وجود دارد البته عنایتی که از روی حکمت است و گرنه خداوند با ایران، قوم و خویشی نداشته است و به همه بندگان خود یکسان نظاره می‌کند. در هر صورت خیلی مایه امید است و کمتر به این نکته پرداخته می‌شود.

آسیب‌شناسی چالش‌ها

پیروزی انقلاب سرعت عجیبی داشت. این سرعت همه را خوشحال کرد، اما از جهتی این شدت از خوشحالی را در بر نداشت چون نیرو و برنامه نبود لذا چالش‌ها و مسائلی را پدید می‌آورد. از یک طرف برخی حقوقی‌های کاملاً لیبرال و آرام که متعلق به آن دوران نبودند و شاید افراد مناسب تری از آن‌ها برای اداره مملکت وجود داشتند. از سوی دیگر نیروهای افراطی بودند که برای کشور و انقلاب هزینه درست می‌کردند و اکنون هم هزینه به وجود می‌آورند. مسئولین و بزرگان نظام باید با نگاه آسیب‌شناسانه به مسائل نظر می‌کردند. اکنون با آسیب‌هایی مواجه هستیم. به طور مثال مطابق خبر رسانه‌ها فردی که متهم به جاسوسی می‌شود و سابقاً در دهه هفتاد یا هشتاد محکوم می‌شود دوباره منصب می‌گیرد و سپس اعدام می‌شود. اگر همان زمان که محکوم شده بود مسئولیت و منصبی نمی‌گرفت و به کار حساس گمارده نمی‌شد، کار بدین جا کشیده نمی‌شد و این شخص اعدام نمی‌گردید و چنین هزینه‌ای هم ایجاد نمی‌شد. بالاخره يك نفر از بین رفته و اعدام شده است و چقدر هزینه برای کشور درست شده است.

چیزی که انسان را ناراحت می‌کند اگر هم بخواهند آسیب‌شناسی کنند، اولاً آن امر آسیب نیست. مثل ریزشی که مردم در انتخابات داشتند و به زیر پنجاه درصد رسید، این ریزش را به کرونا نسبت می‌دهند. آیا واقعا اینگونه است؟ آیا تأملی در تأثیر کرونا بر انتخابات صورت گرفته است؟ این نحوه از نگاه فایده‌ی چندانی ندارد. ثانیاً اگر آسیب‌شناسی هم گردد، راهکارهای بسیار سطحی و ساده ارائه می‌شود که فاصله‌ی زیاد با واقع را نشان می‌دهد. بنابراین باید دعا نمود. توجه به رقیب نشان

می‌دهد که آن‌ها از کسانی هستند که به فکر مملکت، کشور و اسلام نیستند تا جایی که گستاخانه می‌گویند اگر ایران تجزیه بشود اشکالی ندارد.

متأسفانه برخی جانب‌داری‌ها آسیب‌زا است. اگر عنوان و تیتراژ برخی از سرمقاله‌ها و روزنامه‌های کشور را از سرمقاله حذف کنید، به سختی تشخیص داده می‌شود که این نوشته از غیر مامور اسرائیل باشد. اگر همه مسئولان را از صدر تا ذیل زیر سوال ببرد، خدمت به سازمان‌های جاسوسی است. کارگزاران و مسئولان و نویسندگان باید دقت کنند، این مطالبه به عنوان یک شهروند است تا دقت‌ها بیشتر و دفاع‌ها فنی‌تر باشد.

اقلیت‌های دینی

از بحث‌های مهم فقه سیاسی، مشارکت سیاسی است. چون بحث، خارج فقه است، منظور مشارکت سیاسی در نظام اسلامی است. منظور از نظام اسلامی، نظام جمهوری اسلامی نیست چون یک مصداق است بلکه منظور سیستم سیاسی اسلام است. و سخن از این است که مردم چه نوع مشارکتی دارند و آیا اساساً مشارکتی دارند؟ به مناسبت مشارکت سیاسی مردم در بحث مهم اقلیت‌ها ورود پیدا کردیم. اقلیت‌ها به را کلمه دینی اضافه نمی‌کنیم، چون این یک نوع اقلیت است. نظیر اقلیت‌های دینی، اقلیت‌های قومی، اقلیت‌های جغرافیایی و ...

در بحث اقلیت‌ها به قانون اساسی سپس به متون فقهی پرداخته شد. در جلسه سابق به متن شرح لمعه به عنوان متن فقهی توجه گردید. قانون اساسی به سه گروه از اقلیت‌های یهود، نصاری و مجوسیان اشاره می‌کند. سپس قانون اساسی می‌گوید اقلیت‌های مذکور می‌توانند انجمن و تشکیلات داشته باشند. همچنین به اصل بیست و ششم اشاره گردید.

نظریه‌ی تحقیق در بحث اقلیت‌ها

دو اصطلاح فقهی و شرعی وجود دارد. وقتی به سراغ فقها و فقه می‌رویم، گفته می‌شود این مطلب بررسی فقهی گردید اما وقتی ادله بررسی می‌گردد می‌گوییم شرعی است. در این جلسه قرار است شرعی بحث شود. سخنی که گفته می‌شود یک طرح و به قول پایان نامه نویس‌ها یک فرضیه است. البته فرضیه‌ای که بسیار برای آن تلاش شده است. به نظر ما مقتضای ادله، نظر فقها در متون فقهی و تدوین کنندگان قانون اساسی را تأمین نمی‌کند. البته برخی تدوین کنندگان قانون اساسی نظر متفاوت و شبیه ما داشته‌اند اما رای‌گیری شده و اکثریت ملاک بوده و همان اکثریت ثبت شده است.

گاهی چیزی به عنوان، ملت، شهروند و مرز را قبول نمی‌کنیم و می‌گوییم ما چیزی بنام ملت عراق نداریم و آنچه که داریم امت است. امت اسلام و غیر اسلام است. دولت هم دولت‌های مدرن نداریم مثل دولت عراق و دولت ایران، بلکه آنچه داریم، دولت اسلام و حکومت اسلامی است. مرز هم نداریم. اما گاهی با این موارد کنار می‌آییم مثل جمهوری اسلامی که کنار آمده است. جمهوری اسلامی دولت مدرن، ملت ایران و مرز را پذیرفته است و حاضر به عقب‌نشینی یا تجاوز نسبت به مرز خود نیست. حال که پذیرفته شد و ملت درست شد، نباید اقلیت‌های دینی هم درست شود، همانطور که اقلیت لر و کرد و ترک ایجاد نمی‌کنیم که در اصل نوزدهم به آن اشاره شده است. این اصل از اصول درخشان قانون اساسی است.

در اصل سیزدهم از اقلیت‌های زردشتی و مسیحی و کلیمی سخن گفته است. این اصل در مورد صابئین سخنی نگفته است. ممکن است قابل ذکر نبوده باشد. تعداد محدودی صابئین در منطقه اهواز زندگی می‌کنند. برخی از بزرگان با توجه به آیات قرآن مثل «النصاری و الصابئین» می‌خواهند بگویند که صابئین جزء اقلیت‌های رسمی باید محسوب شوند هر چند تعداد آن‌ها اندک است. بنابراین تدوین کنندگان قانون اساسی ممکن است ذهنشان این نبوده یا نخواستند بگویند یا قبول نداشته‌اند. برخی بودیسم را از ادیان توحیدی به شمار می‌آورند. اما قانون اساسی تصمیم داشته بر اساس فقه عمل کند. چون فقه همین سه اقلیت را می‌آورد و از صابئین و بودیسم یادی نمی‌کند. خود زرتشتی هم محل بحث است، برخی قبول ندارند و تنها یهودیان و مسیحیان را به رسمیت می‌شناسند.

مقصودمان این نیست، اصل سیزدهم بی‌بنیان است بلکه پشتوانه آن قوت فقه قوی است. اما ممکن است گفته شود وقتی این مفاهیم پذیرفته شود چیزی بنام اقلیت‌های دینی باشد، همانطور که اقلیت‌های قومی و نژادی تصور نمی‌کنیم، برای این امر هم نباید موجب تصویب قانون شود. طبیعتاً از قواعد عام کشور تبعیت می‌کنند هر چند کمی چالش به همراه داشته باشد. اگر مفهوم ملت و دولت مدرن پذیرفته شد، دیگر باید تنها مواردی نظیر محاربه، بغی، جاسوسی، افساد فی الارض و فتنه خط قرمز باشد. اگر فرقه‌ای مصداق فتنه است اتفاقاً باید برخوردی سریع، قاطع و عادل صورت بگیرد. حکومت با اغتشاش و

محرابه، بغي، فساد و فتنه نباید کنار بیاید البته به شرطی که عادلانه هم باشد. اما اگر کسی که هیچ کاری ندارد و کار خود را انجام دهد، اینکه بخواهیم این فرد را به عنوان اقلیت حساب کنیم و در رفتارها بخواهیم برخی تبعیض ها قائل شویم به نظر ما از تراث دینی بر نمی آید و صرفاً يك برداشت از تراث دینی است.

در برخی اوقات بنیان يك فرقه و گروه بر اساس فتنه و هدایت از خارج است. ما کشوری هستیم که از همه این ها گزیده شده ایم. به طور مثال جریان بهائیت یا بهائیت جدید مثل یمانی و امثال یمانی یا جریان حزب توده، جریان ها و سازمانهای جاسوسی هستند. فعالیت با نام و نشان این گروهها رسمیت دادن به جاسوسی و فتنه است.

یک امری به نام اقلیت های دینی وجود دارد که اگر بخواهیم برخوردار از حقوق شهروندی باشند، تعبیر اقلیت، موضوعیت ندارد و اگر میخواهیم بابتی از تبعیض را باز کنیم دیگر شرعیت ندارد. در نامه امام علی علیه السلام به مالک آمده است: «وَأَشْعُرُ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللُّطْفَ بِهِمْ، وَ لَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ، فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ: إِمَّا أَخٌ لَكَ فِي الدِّينِ وَ إِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ» حضرت علی علیه السلام که تصمیم گرفتند جناب مالک را به مصر روانه کنند، نهاد رعیت را درست می کنند. منظور از رعیت، کشاورز نیست بلکه امتی است که باید منافع آن ها حفظ شود. در مصری که مالک می خواهد برود، مسیحی، قطبی و بت پرست بوده است. بنابراین این متن يك منشور و مانیفست برای تساوی است. یعنی اینگونه باید به مصر نگاه شود. اگر به نامه های حضرت علی علیه السلام توجه گردد در مورد ناس و رعیت و امثال ذالك سخن گفته است، اما تاکید بر مسلمان بودن و اقلیت، در تراث دینی دیده نمی شود.

استثنائاتی که بیان شد، وقتی به صحنه خارج می آید دچار چالش می شود. به طور مثال وقتی میگوئیم اصل 13 و 26 بازنگری شود، این امر در خارج ممکن است مورد سوء استفاده ی زیادی واقع شود، اما هنر مطرح کننده ی بحثهای نظری و هنر حاکمیت که می خواهد اعمال کند، این است که از سوء استفاده ها جلوگیری کند. اینکه مانع آزادی شد و سپس گفته شود سوء استفاده می گردد، هنر نیست بلکه اختناق است. اهل اختناق مانع آزادی به بهانه سوء استفاده می شوند.

از سوی دیگر چقدر سوء استفاده می شود. این مشکل بحثی و نظری نیست بلکه مشکل عملی است که باید راهکارهای خود را طی کند. مثلاً اگر حاکمیت قدرتمند باشد، و نخبگان حاکمیت را اداره کنند. مردم نقش روشن و بارز داشته باشند اصل شفافیت حاکم باشد و قوه قضائیه صریح، قاطع و بی طرف باشد خیلی از مشکلات و سوء استفاده ها حل می شود. بنابراین بحث های تئوریک صورت می گیرد که ممکن است در صحن عمل مشکلات خاصی را به وجود می آورد.

«الحمد لله رب العالمين»